

با عرض سلام خدمت شما دوستان گنج حضور

ما عاشق آفریدگاری او هستیم نه عاشق مصنوع (همانیدگیها)

باید این سوال را از خودمان بپرسیم؟؟

آیا در این لحظه من فضا را باز می کنم و عاشق آفریدگاری خداوند هستم؟ در حال شکر و صبر هستیم؟ شکر برای اینکه چشم عدمم باز میشه و صبر برای اینکه عجله برای کن فکان و نیروی باز شدن مرکزش ندارم! اعتقاد به نیروی کن فکان و دم او دارم.

شکر و صبر یعنی آیا شما من ذهنیتون رو دخالت میکنید در این فرآیند یا نمی کنید؟ اگر دخالت نمی دهید شما فضا گشایی و عشق به آفریدگاری خداوند، این همون فضل حق هست که وارد زندگی ما می شود.

عاشق صنع توام در شکر و صبر

عاشق مصنوع کی باشم چو گبر

-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۱۳۶۰

عاشق صنع خدا با قر بود

عاشق مصنوع او کافر بود

مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۱۳۶۱

اگر مقاومت کنید و نگذارید یعنی از صنع و کن فکان که او میگه بشو و می شود محروم می کنید خودتون رو!! کی میکنه؟ خودتون شما نزارید به من ذهنی که من ذهنی بگه من می خوام خودم رو درست کنم. بصورت من ذهنی و بوسیله من ذهنی نگید من می خوام خودم رو اصلاح کنم. برای اینکه اصلاح ما کوچک شدن و از بین رفتن من ذهنیست!

من ذهنی نمی تونه شکر و صبر رو بشناسه! من ذهنی عجله داره و با معیارهایی که با همانیدگیها بدست آورده، این معیارها مادین و با صنع فرق دارند.

صنع یعنی نیروی آفریدگاری شما در این لحظه بکار می افته، برای اینکه بکار بیافته باید مرکز مون عدم بشه، اگر نشه زندگیمون درست نخواهد شد، یعنی بیخود داریم، کار می کنیم.

ما باید عزممون رو جذب کنیم که می خوام خودم رو عوض کنم، برای عوض شدن باید این من ذهنی از بین بره.

ما عاشق صنع او هستیم، نه عاشق همانیدگیها و یا فکری که زاییده شده، یه فکری که زاییده شد و رفت، دیگه رفت لحظه بعد یک فکر دیگه بوسیله خداوند خلق میشه در ما، یعنی ما خلق می کنیم. اگر فکر قدیمی رو بکار ببریم، داریم خودمون رو از فضل حق محروم می کنیم.

بکار بردن فکر قدیمی بر اساس همانیدگی مقاومت حساب میشه، مقاومت کنیم چیزی گیرمون نمی یاد.

باران برای سر سبزی نیازی به حرف ما و فکر ما نداره، در ذاتش هست؛ در نتیجه آبادانی و درست کردن چهار بعد ما

(فکرهای ما، بدن ما، زندگی ما و سالم کردن بدن ما در ذات فضل حق و صنع اونه) باران میاد و چمن رو سبز میکنه از طریق فضای

گشوده شده آب حیات می آد زندگی ما رو درست میکنه! مقاومت کنی، نمی کنه!!

شما باید بعنوان حضور ناظر مقاومت را در درونتان تماشا کنید، اگر نکنید فضل حق رو قطع می کنید. تمرکز روی دیگران برای عوض کردن آنها مقاومت حساب میشه، تمرکز یعنی رفتن روی دیگران، یعنی من می رم من ذهنیم رو فعال می کنم بعنوان من ذهنی میام بالا.

اگر از صنع خداوند استفاده کنیم روی دیگران هیچ کاری نداریم، روی خودمان کار می کنیم.

اتفاقا وقتی روی خودمان کار می کنیم صنع خداوند روی دیگران هم اثر می گذارد، ما از طریق کار روی خودمون و بیان شادی زندگی و

برکت زندگی از درون خودمان در حالیکه اولین فیض خودمون می بریم روی دیگران هم اثر می گذاریم. نه اینکه این رو قطع کنیم بریم

ذهن بصورت من ذهنی بلند شویم روی دیگران که من ذهنیشان میاد بالا تمرکز کنیم، که من ذهنی اونها را با من ذهنی خودمان عوض

کنیم. بلند شدن بصورت من ذهنی مقاومت حساب میشه! عاق میشیم ما!!

چون پدر و مادر عقل است و روح

هر دو تویی، چون شوم ای دوست عاق؟

مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۱۳۱۳

ای خداوند من چه جوری تو رو رها کنم، پیش تو نباشم و با تو یکی نباشم، همین که با تو یکی نباشم عاق میشم، چون هر دو تویی!!

من نمی تونم برم ذهن، عاق بشم، به ذهن برم. من ذهنی شدم، عاق شدم.

هر کسی که عاق والدین بشه، به والدینش ظلم کنه، از حرف اونها سر پیچی کنه می گن عاق والدین شده، ما هم عاق خدا میشیم کارمون درست نمیشه!!

باتشکر کافی از شهر بابک